

■ نگاهی به مجموعه داستان  
«پادشاه این تن شده‌ام»

## لحن ساده و بی تکلف

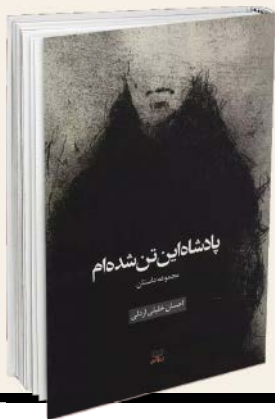
سعیده اسداللهی

منتقد  
ادبی



ژان ریکاردو، نویسنده و نظریه‌پرداز جنبش ادبی رمان نو در یکی از سخنرانی‌هایش درباره ادبیات و زبان به این مسأله اشاره دارد که نویسنده باید با شکلیابی روی زبان کار کند و بکوشد تا منضبط‌ترین مجموعه و غنی‌ترین نشانه‌هایی را که زبان می‌تواند بنیاد کند، به دست آورد. باری؛ ادبیات هیچ جبری برای خود نمی‌شناسد جز استقرار این مجموعه در کارکرد کاملش. بنابراین خواندن ادبیات عبارت است از کوشش برای کشف رمز لایه‌ها و تقاطع بی‌شمار نشانه‌ها. در واقع خواست ادبیات این است که خواننده پس از آموختن کشف رمز حروف مکتوب به کشف رمز درهم‌پیچیدگی نشانه‌ها که ادبیات از آنها ساخته شده است، بپردازد. حالا خواننده‌ای که در کشف رمز نشانه‌های زبان ورزیده باشد از این پس در هر موقعیتی می‌تواند تقلب زبان‌های بدلی و جعلی را که جامعه بر او تحمیل کرده، برملا سازد. چنین است که ادبیات یا داستان توانایی نشان دادن این امر را دارد که چگونه نشانه‌ها با ما به سخن می‌آیند و واقعیتی که ما در آن هستیم با چه نشانه‌هایی - در آینده یا هم اکنون - حضور خود را اعلام می‌کنند و این واقعیتی است گویا؛ توانایی گفتن این که با چه نشانه‌هایی واقعیت ما به سوی ما می‌آیند.

مجموعه داستان «پادشاه این تن شده‌ام» به قلم احسان خلیلی اردلی، شامل هشت داستان کوتاه است که در سال ۹۹ به همت نشر عنوان به چاپ رسیده است. داستان‌های این مجموعه در بسترهای زمانی خاصی روایت می‌شوند. زمانی مربوط به گذشته‌های دور که با زبان و نثری هماهنگ، فضاهای ملموسی از موقعیت‌ها را برای خواننده ایجاد می‌کنند و هر چه پیش می‌رویم زمان هم رو به جلو حرکت می‌کند. نویسنده در پرداختن به جزئیات و واکاوی درونی شخصیت‌ها هوشمندانه عمل کرده و کنش آدم‌های معمولی را در مواجهه با شرایط پیش آمده، با ظرافت و دقتی خاص روایت می‌کند. راوی داستان‌ها به نظر شخص واحدی است که به واسطه برخورد با شخصیت‌های اصلی، داستان‌های شان را آشکار و باژو می‌کند. راوی، لحن ساده و بی‌تکلفی دارد که همین مهم توجه خواننده را به نشانه‌ها و معنای داستان‌ها بیشتر معطوف می‌کند. پرگویی راوی که گاهی به توصیف بیش از اندازه اشیای پیرامون یا حیوانات می‌انجامد، بار معنایی و بروز نشانه‌ها را در برخی داستان‌ها به دوش می‌کشد و در مواقعی عامل جذب مخاطب برای پیگیری داستان است. این مجموعه داستان در سومین دوره جایزه ادبی نشان توکا (مازندران)، عنوان نخست را از آن خود کرد.



## رمان «ماتروشکا» نوشته شیما جوادی رونمایی شد

# سعی کردم خواننده‌ام احساس ضرر نکند



■ نیما اکبرخانی: از خواندن ماتروشکا لذت بردم

نیما اکبرخانی، نویسنده و ویراستار داستانی انتشارات کتابستان معرفت نیز در این نشست، گفت: بین علما در ادبیات اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد که کارکرد ادبیات چیست. برخی می‌گویند اولین کارکرد ادبیات، لذت است، وقتی این لذت باشد، محتوا در جان مخاطب می‌نشیند. وقتی برای اولین بار ماتروشکا را خواندم همین لذت بود که نظرم را جلب کرد. وی افزود: منافقین فارغ از یک گروه سیاسی با امنیتی، یک فرقه هستند و عجیب است که هیچ گروهی در دنیا نتوانسته تا این حد طولانی و مستمر علیه یک کشور معتبر از اعضای سازمان ملل دشمنی کند. شهید لاجوردی هم به این موضوع در زندان و سال ۱۳۵۲ اشاره کرده بود. اکبرخانی به تسلط نویسنده بر فرم سخن گفت و اشاره کرد: به همین علت، محتوای رمان هم توانسته برای مخاطب به خوبی ارائه شده و باورپذیر باشد.

■ شیما جوادی: سعی کردم کاری کنم که خواننده احساس ضرر نکند

شیما جوادی، نویسنده ماتروشکا در این نشست گفت: سختی‌های نویسندگی ربطی به مخاطب ندارد و مهم‌ترین وظیفه یک نویسنده این است که داستانش را به خوبی روایت کند. این داستان، کاستی‌هایی دارد اما اولین رمان من است و کوشیده‌ام اصولش را رعایت کنم. من قبل از هر چیز یک خواننده حرفه‌ای کتاب بوده‌ام و سعی کردم کاری کنم تا خواننده احساس ضرر نکند.

وی افزود: من نسبت به کارم حساسم و وسواس دارم و وقتی تحقیق می‌کردم، مطالعاتی درباره منافقین داشتم و خیلی آزاردهنده بود. حکایت منافقین، سراسر پوچی است اما به خوبی روی اعصاب آدم راه می‌رود!

جوادی ادامه داد: ایده اولیه رمانم خیلی متفاوت بود و هر چه جلوتر رفت از من فاصله گرفت. آدم‌های داستانم قرار نبود سیاسی و امنیتی باشند و تمام تمرکز روی بعد روان‌شناسانه شخصیت رمان بود.

سیاست‌زدگی بزرگ‌ترها می‌تواند دنیای سراسر تردید را برای فرزندان‌شان بسازد. دلم می‌خواست «سودا» (شخصیت اصلی رمان) درب و داغان را نشان بدهم و سازمان وقتی می‌خواهد آدم‌های‌شان را انتخاب کند، سراغ کسانی می‌رود که نه قلب دارند و نه احساس. وی تصریح کرد: این داستان اولم است و تلاش کردم بهترین اثر را عرضه کنم.

در انتهای این نشست، شیما جوادی تعدادی از کتاب‌ها را برای حاضران، امضا کرد. این کتاب به تازگی توسط انتشارات کتابستان با ویراستاری الهام بیگلری منتشر شده است.

نشست رونمایی از رمان «ماتروشکا» نوشته شیما جوادی در کتابفروشی کتابستان تهران با حضور تعدادی از اهالی داستان و ادبیات برگزار شد.

■ راضیه تجار: من، تکثیر شده در آثار دیگران هستم

راضیه تجار، داستان‌نویس و مدرس داستان‌نویسی در ابتدای این نشست گفت: کسانی که ادبیات را دوست دارند، قوم و خویش هستند و گاهی بعد از مدتی کسانی از این اهالی را هم می‌بینند که خون‌شان، همدیگر را می‌کشد.

وی افزود: من از خواندن این رمان لذت بردم. از سال ۶۷ تا امروز کلاس داستان‌نویسی داشته‌ام و وقفه‌ای هم نینداخته‌ام، چون ستون خیمه زندگی‌ام همین کلاس هاست. با خودم می‌گویم اگر چند کتاب هم کمتر بنویسم در عوض مهم این است که تکثیر شده در آثار دیگران هستم و باعث افتخارم است.

این عضو انجمن قلم ادامه داد: رویای کودکی من این بود که بین بچه‌ها آنبات‌های رنگی تقسیم کنم و بعدها فهمیدم که می‌خواسته‌ام کلمات را بین افراد تقسیم کنم. ما می‌کوشیم عشق‌مان را بین افراد تقسیم کنیم. من حال شیما جوادی را درک می‌کنم که سال‌ها تلاش کرده و حالا نتیجه تلاشش را می‌بیند. امیدوارم جامعه ادبی ما قدر این زحمات را بداند.

■ قصه‌گویی، ویژگی زنان است

تجار با اشاره به نقش زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزود: مهم است که خانم‌ها بعد از انقلاب حضور جدی‌تری در جامعه دارند و قلم دست می‌گیرند و می‌نویسند و کارهای‌شان با استقبال بیشتری روبه‌رو می‌شود. قصه‌گویی هم ویژگی زنان است که باعث موفقیت‌شان شده است. غیر از این که از دولت‌ها توقع داریم از جوانان حمایت کنند، خودمان در فضای ادبیات هم باید احساس مسئولیت کنیم و حامی جوانان باشیم.

وی ادامه داد: روز اولی که خانم جوادی به کلاس آمدند، یک دل‌نوشته آوردند و به تدریج رو به رشد بودند و کارشان قوی شد. خواندن این رمان از خانم جوادی باعث اعجابم شد. حجم این کتاب گرچه می‌شد کمتر باشد اما خوشبختانه اثری نیست که آب به آن بسته شده باشد. تجربه‌های زیبایی در این اثر است و خوشبختانه نویسنده اجازه داده تا سوزش پخته شود و این از محسنات کار است. معلوم است که این رمان بارها بازنویسی شده و این سوزنه منافقین خیلی جای کار دارد.

■ نویسنده به درستی شخصیت زله‌ای ساخته است

راضیه تجار گفت: ورود نویسنده به این داستان خوب بوده و به خوبی هم تمام شده. گرچه شخصیت داستان متزلزل است، چون پدر و مادرش منافق بوده‌اند. این دختر در طول مسیر داستان می‌خواهد مادام شبیه مادر باشد و انگیزه‌هایش به سمت و سوی او برود و چنین شخصیتی نمی‌تواند محبوب باشد. نویسنده به درستی شخصیتی زله‌ای ساخته و این حس مادام دیده می‌شود. شخصیت‌ها در رمان باید سیر تحولی داشته باشند و خانم جوادی توانسته این سیر تحولی را نشان بدهد.

وی تصریح کرد: هوشمندی نویسنده در پیرنگ مهم است و جوادی توانسته پیرنگ را به خوبی پیش ببرد. خوش‌آغازی رمان هم مهم است و این ویژگی و قلاب خوب برای خواننده را در این رمان می‌بینیم. جوادی به عنوان یک زن نویسنده توانسته از بو و رنگ هم به خوبی در داستانش بهره ببرد.



شیما جوادی:

من نسبت به

کارم حساسم

و وسواس

دارم و وقتی

تحقیق می‌کردم

مطالعاتی درباره

منافقین داشتم

و خیلی آزاردهنده

بود. حکایت

منافقین، سراسر

پوچی است

اما به خوبی روی

اعصاب آدم

راه می‌رود!

